



آیا حزب سوم جدید در آمریکا می تواند موفق باشد؟



مرکز مطالعات سورین

آذر ۱۴۰۱







آیا حزب سوم جدید در آمریکا می تواند موفق باشد؟





در طول تاریخ ایالات متحده، همیشه دو حزب سیاسی غالب وجود داشته است: دموکرات و جمهوری خواه. در انتخابات گذشته، این دو حزب همواره دو سکوی اصلی برای کاندیدای احتمالی ریاست جمهوری باقی مانده‌اند. به این ترتیب، این دو حزب بیشترین بودجه در معرض دید را برای مقاماتی که در انتخابات شرکت می‌کنند را فراهم می‌کنند. به همین ترتیب، خطوط روابط درونی این دو حزب عمیق است، به این معنی که برخی از خانواده‌ها در سراسر کشور برای چندین دهه به‌عنوان رای‌دهندگان جمهوری خواه/دموکرات ثبت‌نام کرده‌اند. بنابراین، تحت تاثیر قرار دادن آرای افرادی که نسب وابستگی به یک حزب خاص دارند، به طور فزاینده‌ای سخت شده است، که این سوال را مطرح می‌کند که آیا این سیستم دو حزبی به نظام سیاسی ایالات متحده آسیب می‌زند؟

همانطور که قبلاً گفته شد، دو حزب سیاسی اصلی، دموکرات و جمهوری خواه، برای قرن‌ها در ایالات متحده وجود داشته‌اند، که باعث شده بسیاری از خانواده‌ها ریشه‌شان را در یک حزب خاص ببینند. بنابراین، آنها ممکن است احساس کنند محکوم به رأی دادن به حزبی هستند که خانواده‌شان نسل‌ها از آن حمایت کرده‌اند. در نتیجه، این افراد ممکن است برای رأی دادن به روش خاصی تحت فشار باشند



و در نتیجه بر عقاید و طرز فکر سیاسی آنها تأثیر بگذارد. حتی بیشتر از این، این باعث می‌شود که آنها نتوانند بهترین نامزد را با توجه به تعصب ضمنی شناسایی کنند. با توجه به حضور طولانی‌مدت این احزاب در داخل ایالات متحده، فضای زیادی برای این رفتار در چند دهه و حتی قرن‌های گذشته وجود دارد.

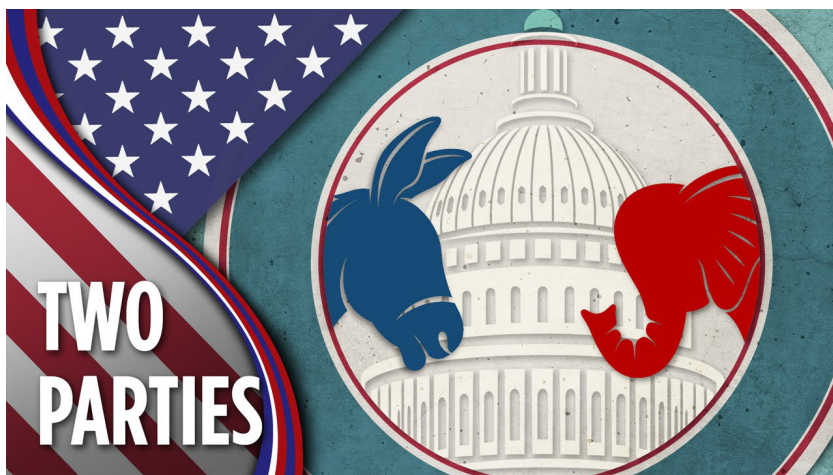
مسئله دیگری که ممکن است از سیستم دو حزبی به وجود بیاید، از میزان بودجه بالای دموکرات‌ها/جمهوری خواهان برای نامزدهایشان ناشی می‌شود. در حالی که افرادی مانند دونالد ترامپ و جو بایدن از حمایت احزاب اصلی برخوردارند که شامل اعضای ثروتمند نیز می‌شود، افرادی که مستقل از یک حزب اصلی شرکت می‌کنند، بودجه لازم برای بازاریابی خود را ندارند. در نتیجه، فردی که به طور مستقل جلو می‌آید، ممکن است صرفاً در معرض دید عموم قرار نگیرد، زیرا سرمایه کافی برای رقابت با کمپین‌های چند میلیون دلاری دموکرات‌ها/جمهوری خواهان به دست نیآورده است. بنابراین، ممکن است یک سیاستمدار مستقل و بسیار شایسته نادیده گرفته شود که می‌تواند سیستم سیاسی را از استفاده از حداکثر پتانسیل او محروم نماید.

در نهایت، نظام دو حزبی اختلاف زیادی را بین احزاب سیاسی و خود رأی‌دهندگان ایجاد کرده است. با توجه به اینکه این دو حزب تقریباً برای هر موضوعی در دو طرف طیف قرار دارند، هرکسی که به یک حزب خاص وابسته است مستقیماً با ایدئولوژی‌های طرف مقابل مخالف است. در نتیجه، این امر باعث ایجاد اختلافات زیادی در سنا و کنگره شده است که اغلب از تصویب به موقع لوایح جلوگیری می‌کند. در نتیجه، شهروند عادی آمریکایی از شکاف در سیاست آسیب می‌بیند که اغلب منجر به عدم اقدام به موقع برای حل مسائل مبرم می‌شود. بنابراین، بدیهی است که نظام سیاسی دو حزبی ممکن است در مواقعی برای مردم عادی در ایالات متحده مضر باشد.

حزب جمهوریخواه در سال ۱۸۵۴ پس از جایگزینی با حزب ویگ تاسیس شد و سپس به همراه حزب دموکرات، بر صحنه سیاسی آمریکا حاکم شدند و پیوسته تاکنون یکی از دو حزب پیروز در انتخابات، از میان این دو بوده است. یکی از اصلی‌ترین دلایلی که باعث عدم حضور قدرتمند حزب سوم می‌شود،



ساختار سیستم انتخاباتی آمریکاست. آمریکا سالهاست که داعیه آزادی دارد اما دارای یک نظام دو حزبی است. وقتی به کشورهای مطرح اروپایی نگاه می‌کنیم، یک نظام چند حزبی را می‌بینیم که حزب سوم در آن فعالیت قابل توجهی در انتخابات دارد. اما در سیستم انتخابات آمریکا خودش به‌عنوان نگهدار نظام دو حزبی حاکم می‌کند و تقریباً شانسی برای یک حزب سوم در انتخابات باقی نمی‌ماند.



احزاب مهم سومی در تاریخ آمریکا به‌وجود آمدند که تا به امروز فعالیت داشته‌اند اما حتی قدرت تهدید دو حزب اصلی در انتخابات را هم نداشته‌اند. علت مشخص آن هم این است که موانعی بر سر راه موفقیت اینگونه احزاب وجود دارد.

۱. موانع ساختاری

نوع و ساختار سیستم انتخاباتی آمریکا که دارای شورای انتخاباتی و سیستم انتخاباتی Winner-take-all (همه آرا برای برنده) باعث شده تا شاهد وجود حزب سوم با دوام در آمریکا نباشیم. طبیعتاً در چنین فضایی مردم علاقه‌ای به رای دادن به حزب سوم ندارند و نامزدها هم انگیزه‌های پیوستن را از دست می‌دهند.

۲-۱ شورای انتخاباتی

سیستم شورای انتخاباتی در راستای تقویت نظام دو حزبی عمل می‌کند. برای



انتخابات ریاست جمهوری در هر دوره، پنجاه ایالت به همراه منطقه کلمبیا درگیر انتخابات می‌شوند. در این بین، فقط دو ایالت نبراسکا و مین از سیستم همه آرا برای برنده پیروی نمی‌کنند. اینجاست که اگر یک نامزد بتواند اکثریت نسبی آرا را در یک ایالت کسب کند، عملاً تمام آرای آن ایالت در شورای انتخاباتی که برابر با تعداد نمایندگان هر ایالت در کنگره است را بدست می‌آورد. در این شرایط، سیستم کاملاً به ضرر حزب سوم است؛ چرا که شانس کمتری برای بردن آرای شورای انتخاباتی دارد.

در انتخابات آمریکا، سیستم اینگونه طراحی شده که اگر شخصی می‌خواهد ریاست جمهوری را بدست آورد، باید ۲۷۰ رای شورای انتخاباتی را کسب کند. همین امر موجب می‌شود که رای‌دهندگان تحت فشار قرار گرفته و در طرفداران دو کاندیدای اصلی ادغام شوند. شرط ۲۷۰ رای، از طرفی باعث می‌شود که نامزد حزب سوم برای پیروزی در انتخابات، ناچاراً به یکی از احزاب اصلی بپیوندد. در صورتی که اگر یک حزب سوم قوی وجود داشت، احتمال اینکه هیچکدام از احزاب پیروز انتخابات نشوند بالا می‌رفت و کار به تصمیم مجلس نمایندگان واگذار می‌شد. اما از آنجایی که آمریکایی‌ها دوست ندارند مجلس نمایندگان برنده انتخابات را تعیین کند، کارها در همان مراحل ابتدایی تمام می‌کنند.

در این میان، وجود قوه معجزه تک‌حزبی، به ثبات سیستم دو حزبی کمک می‌کند. سیستم کابینه در دولت آمریکا، مثل بسیاری از نقاط اروپا سیستم ائتلافی نیست. بنابراین یک حزب در راس قدرت قرار می‌گیرد که با دوباره به ثبات سیستم دو حزبی اضافه می‌کند.

۲-۱ انتخابات مقدماتی

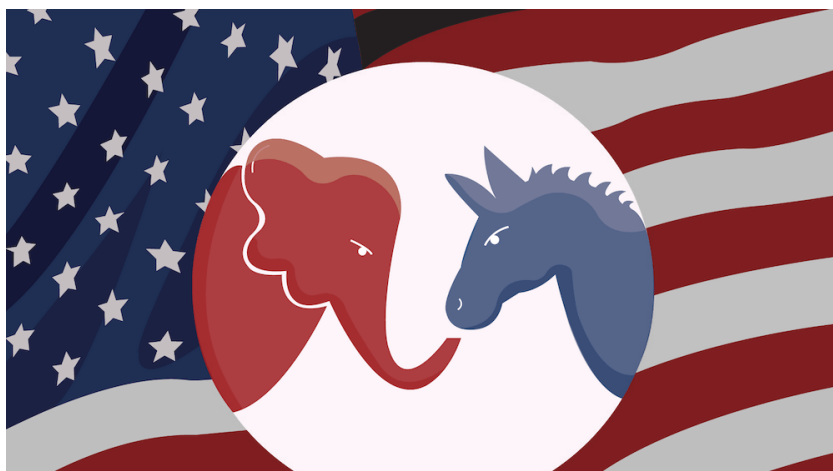
انتخابات مقدماتی یکی دیگر از موانع ساختاری است. در بستر انتخابات مقدماتی است که رقبا فضایی را ایجاد می‌کنند که تا برای نامزدی حزب خود تلاش کنند و همین امر کاملاً به سیستم دو حزبی کمک می‌کند. چرا که از تشکیل حزب سوم خودداری می‌شود. احزاب سوم شانس کمی برای پیروزی در انتخابات دارند؛ به همین دلیل آنهایی که به دنبال به چالش کشیدن رهبری و سازماندهی احزاب



اصلی هستند، به فعالیت‌های درون‌حزبی روی می‌آورند. اینجاست که کار به تسلط جمهوریخواهان و دموکراتها کشیده شده است. وانگهی، انتخابات مقدماتی این قدرت را دارد که با جل توجه مردم به سمت رقابت درونی دو حزب اصلی، احزاب غیراصلی را تضعیف کند.

۲. موانع حقوقی

محدودیت دسترسی به برگه رای یک مانع حقوقی برای احزاب سوم محسوب می‌شود. در حالیکه نام کاندیدای دو حزب اصلی بصورت خودکار بر روی برگه‌های رای تمام ایالت‌هاست، نامزد حزب سوم باید برای دسترسی به برگه رای در هر ایالت اقدام نماید. هر ایالتی قوانین خود را دارد و کاندیداها باید پیش‌نیازهای مرتبط را برآورده کنند تا بتوانند به برگه رای دسترسی داشته باشند. تعریف بازیگران سیاسی قانونی در هر ایالت متفاوت است و بیش از پنجاه تعریف مجزا از حزب سیاسی به منظور دسترسی به برگه رای وجود دارد. تقریباً در تمام ایالت‌ها کاندیداهای مستقل و از احزاب سوم باید برای نامزدی خود امضا جمع کنند و تا تاریخ معینی آن را تحویل دهند تا نامشان در برگه رای ظاهر شود. حزب سومی‌ها باید بابت برگه رای پول پردازند و در بسیاری از ایالت‌ها افرادی را که به‌طور رسمی به‌عنوان اعضای حزبشان ثبت نام کرده‌اند را شناسایی کنند.



تعداد امضاهاى مورد نیاز در هر ایالت هم متفاوت است و در ۱۲ ایالت، حزب غیر اصلی باید درخواست‌هایی مجزا برای هر نامزد سنا و مجلس نمایندگان جمع‌آوری کند. علاوه بر این، موعد تحویل درخواست‌های امضا شده در هر ایالت متفاوت است. از آنجایی که در برخی ایالت‌ها موعد تحویل درخواست‌ها زود است، این مسئله موجب آزار نامزدها می‌شود. مثلاً در کالیفرنیا موعد تحویل درخواست‌ها از اوایل ژوئن تا اوایل آگوست است و یا در ایندیانا از اول آگوست تا اول سپتامبر. برخی ایالت‌ها کار را سخت‌تر گرفته و درخواست‌ها باید به مهر و امضای سردفتر اسناد رسمی برسد. در برخی موارد هم فقط رای‌دهندگان ثبت شده می‌توانند درخواست‌ها را امضا کنند. اینجاست که نه تنها ماندن در برگه رای سخت است، که ماندن در برگه رای برای انتخابات بعدی مشکل است. شرایط ماندن در برگه رای در هر ایالت متفاوت است. مثلاً در آلاباما اگر یک حزب ۲۰ درصد آرا را در انتخابات پیشین کسب کرده باشد، می‌تواند در برگه رای برای انتخابات بعدی باشد. در کارولینای جنوبی اوضاع فرق می‌کند. ماندن یک حزب در برگه رای منوط به این است که هر چهار سال یکبار، دست کم یک نامزد را معرفی کند.

در مجموع، پرداخت هزینه‌های دسترسی به برگه رای نه تنها از حیث مادی که از حیث معنوی انرژی زیادی از احزاب غیر اصلی می‌گیرد. یک نمونه روشن آن «رالف نادر» است که در سال ۲۰۰۴ با محدودیت زیادی برای دسترسی به برگه رای مواجه شد و نامش در لیست نامزدهای ۳۴ ایالت ظاهر شد. دموکرات‌ها که نگران شده بودند او مثل سال ۲۰۰۰ شانس برد نامزد دموکرات را پایین بیاورد، در ۱۸ ایالت از او شکایت کردند و امضاهاى جمع‌آوری شده برای درخواست نامزدی او را مورد سوال و تردید قرار دادند. نتیجه این شد که نام نادر در برگه رای ایالت‌های پنسیلوانیا، اوهایو و ۱۴ ایالت دیگر وجود نداشت. او نیز علت بدست آوردن کمتر از ۱ درصد آرا در سال ۲۰۰۴ را عدم دسترسی به برگه رای در تمام ایالت‌ها اعلام کرد.

۳. موانع اقتصادی

احزاب سوم با کمبود منابع مالی دست و پنجه نرم می‌کنند. انتخابات پیوسته در





حال پرهزینه‌شدن در آمریکاست و رقبا هم باید به مثابه این موضوع پیش بروند. کمبود منابع مالی، تامین بودجه را به‌خطر می‌اندازد که می‌تواند بزرگترین مانع باشد.

تا پیش از سال ۱۹۷۰ اجباری برای افزایش منابع مالی در انتخابات نبود اما در سال ۱۹۷۱ «قانون کمپین انتخابات فدرال» تصویب شد و در سال ۱۹۷۴ هم اصلاحیه‌هایی به آن اضافه شد. طبق این قانون محدودیت‌هایی برای کمک‌های مالی به کمپین‌های انتخاباتی اعمال شد. همچنین سیستم تخصیص بودجه عمومی به کمپین‌های انتخاباتی را بوجود آورد و کمیسیون انتخابات فدرال را به‌منظور اجرای قوانین تاسیس کرد. در هر صورت، قانون مذکور کاملاً به نفع دو حزب اصلی تمام شد. چرا که کمیته‌های ملی آنها توانستند از آن بهره‌برداری تا به اندازه نیاز برای هزینه‌های حقوقی و حسابرسی خود پول جمع کرده و خرج کنند. علاوه بر این، کمیته‌های محلی و ایالتی دو حزب اصلی هم می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. سیستم اختصاص بودجه این قانون در انتخابات مقدماتی باعث می‌شود که نامزدهای جدی به دنبال نامزدهای اصلی بیفتند چرا که شانسان با بودجه‌ای که در اختیار آنها قرار می‌گیرد، خیلی بیشتر می‌شود. طبق تعریف این قانون، حزب اصلی حزبی است که ۲۵ درصد و یا بیشتر آرای به‌دست آمده توسط همه نامزدها را کسب کرده باشد. این قانون به احزاب اصلی اجازه می‌دهد که بودجه عمومی کامل برای کمپین انتخاباتی مرحله نهایی و بودجه عظیمی را برای بدست آوردن نامزدی احزاب اصلی در اختیار داشته باشند. حال آنکه نامزدهای احزاب غیراصلی، سهمی بسیار کمتر را دریافت می‌کنند و همه آنها هم شرایط دریافت بودجه عمومی را ندارند.

قانون کمپین انتخابات فدرال به ما می‌گوید که حزب غیر اصلی یک حزب سیاسی است که نامزد آن بین ۵ تا ۲۵ درصد آرای عمومی در انتخابات ریاست جمهوری را کسب کند. یک حزب سیاسی جدید و یا نامزد مستقلی که برای اولین بار در انتخابات شرکت می‌کند، وقتی بعد از انتخابات همگانی بیش از ۵ درصد آرا را بدست آورده باشد، می‌تواند از بودجه عمومی بهره‌مند شود و دریافت این بودجه بعد از انتخابات همگانی عملاً هیچ کمکی به حزب‌های سوم نمی‌کند. احزاب اصلی می‌توانند برای انتخابات مقدماتی خود بودجه دریافت کنند اما احزاب

غیراصولی که انتخاب مقدماتی ندارند، بودجه‌ای شامل حالشان نمی‌شود. مزایایی که قانون کمپین انتخابات فدرال در اختیار نامزدهای مستقل قرار می‌دهد، واقعا کمتر است. طبق این قانون کمک‌های فردی به یک نامزد تا سقف ۱۰۰۰ دلار و کمک‌های کمیته‌های کنش‌وری تا سقف ۵ هزار دلار است. از آنجایی که حامیان احزاب غیر اصلی هم کمتر هستند، اینجاست که هزینه تبلیغات نامزد غیر اصلی در نمی‌آید. قانون کمپین انتخابات فدرال کمک افراد و کمیته‌های کنش‌وری سیاسی را محدود می‌کند اما در مقدار پولی که می‌توان به احزاب کمک کرد، محدودیتی قائل نمی‌شود. اینجاست که حامی یک نامزد حزب اصلی می‌تواند هم ۱۰۰۰ دلار به نامزد مربوطه کمک کرده و هر چقدر که دلش می‌خواهد در اختیار حزب او بگذارد اما حامی یک نامزد مستقل فقط همان ۱۰۰۰ دلار را می‌تواند به او کمک کند؛ چرا که حزبی برای کمک وجود ندارد.

اگر نامزد حزب اصلی یا غیر اصلی بتواند دست کم ۵ هزار دلار در اندازه‌های ۲۵۰ دلاری یا کمتر را از ۲۰ ایالت جمع‌آوری کند، برای کمپین انتخاباتی‌اش بودجه فدرال در اختیار او قرار می‌گیرد. مشکل اینجاست که نامزدهای احزاب غیر اصلی مشمول بهره‌برداری از چنین شرایطی نمی‌شوند، چرا که افراد و کمیته‌های کنش‌وری کمتری به آنها کمک می‌کنند. به دلیل محدودیت‌هایی که قانون کمپین انتخاباتی برای تامین بودجه رقابت‌های انتخاباتی ایجاد می‌کند، احزاب غیر اصلی در صورتی که از پذیرفتن بودجه عمومی سر باز بزنند می‌توانند بهتر عمل کنند. چرا که در این صورت دیگر محدودیت‌های این قانون شامل حالشان نمی‌شود. مثلا در انتخابات ۱۹۹۲، «راس پرو» با استفاده از سرمایه شخصی‌اش وارد عرصه رقابت شد و ۱۹ درصد آرای عمومی را هم بدست آورد. این سرمایه شخصی موجب شکل‌گیری حزب اصلاحات پس از انتخابات ۱۹۹۲ شد. رای ۱۹ درصدی، پرو را مشمول دریافت ۲۹/۲ میلیون دلار از بودجه فدرال برای انتخابات ۹۶ کرد. اما قبول این مبلغ باعث شد که تمام محدودیت‌های قانون کمپین انتخابات فدرال اعمال شود و موانعی بر سر راه پرو در انتخابات ۹۶ بوجود بیاید. دلیل این امر مشخص بود: پرو در مقایسه با نامزدهای احزاب اصلی از بودجه کمتری برای کمپین‌اش برخوردار بود و تنها توانست ۵۰ هزار دلار از سرمایه شخصی‌اش برای





تبلیغات استفاده کند. در کل، تفاوت زیادی بین منابع مالی در اختیار احزاب اصلی در مقایسه با احزاب غیر اصلی و نامزدهای مستقل وجود دارد. نامزد حزب اصلی تنها با دریافت بودجه فدرال، دست کم ۸۵ میلیون دلار جلوتر از یک نامزد مستقل است. این در حالی است که طبق قانون کمپین انتخابات فدرال، نامزد حزب سوم و یا نامزد مستقل جدید، بعد از انتخابات در صورت بدست آوردن ۵ درصد از آرا از بودجه فدرال بهره‌مند می‌شود. واقعیت این است که زمانی که نامزد مستقل یا نامزد حزب سوم به پول نیاز دارد از آن بهره‌مند نمی‌شود و همچنان هم تمام مقررات و محدودیت‌های قانون کمپین انتخابات فدرال برای او اعمال می‌شود.

از طرف دیگر، نامزدهای حزب سوم باید هزینه‌های زیادی را خرج دسترسی به برگه رای کنند. این نامزدها باید وقت و هزینه زیادی را صرف به‌دست آوردن کمک‌های مالی برای کمپین خود کنند. آنها دارای ساختار سازمان‌بندی شده و تخصصی که احزاب اصلی دارند نیستند و چون شانس کمی برای پیروزی دارند، افراد کمی حاضر می‌شوند در کمپین آنها سرمایه‌گذاری کنند.

امروزه بحث استفاده از فناوری مدرن انتخاباتی از اهم موضوعات برای نامزدهاست و آنها باید مشاورانی را استخدام کنند که در این زمینه به آنها راهنمایی بدهند. شرکت‌هایی که این نقش را برعهده دارند، هزینه‌های هنگفت میلیون دلاری می‌گیرند. اینجاست که احزاب سوم که بودجه قدرتمندی ندارند، به مشکل برمی‌خورند. این در حالی است که بررسی هزینه صرف‌شده برای رقابت‌های انتخاباتی و نتایج انتخابات نشان می‌دهد که میزان صرف هزینه از سوی یک نامزد می‌تواند بر نتیجه تاثیر بگذارد و نابرابری زیادی در منابع مالی به رقابت نامزدهای غیر اصلی لطمه می‌زند.

تله سیستم دو حزبی

نظرسنجی جدید گالوپ نشان می‌دهد که نارضایتی از سیاست دو حزبی در بالاترین حد خود قرار دارد و ۶۲ درصد از آمریکایی‌ها می‌گویند که دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در نمایندگی از رای‌دهندگان خود چنان ضعیف عمل می‌کنند که به حزب سوم نیاز است.

«کریستوفر اینگراهام» در یادداشتی در واشنگتن پست نوشته است: اما با نگاه به پویایی حاصل جمع صفر و «برنده همه چیز را می‌برد» در انتخابات ایالات متحده، با وجود داده‌های نظرسنجی که نشان می‌دهد نیمی از آمریکایی‌ها با هیچ حزبی همذات‌پنداری نمی‌کنند و خود را مستقل می‌خوانند، تقریباً برای احزاب سوم غیرممکن است که در انتخابات شرکت کنند. کسانی که خواهان تغییر هستند - از جمله بسیاری از دانشمندان و برخی قانونگذاران - شنیده نمی‌شوند. مشکل ذاتی سیستم فعلی ما این است که کل طیف افکار سیاسی را فقط به دو حزب تبدیل می‌کند. آنها می‌گویند هشدارها مبنی بر عقب نشینی ملت به سمت خودکامگی - که عمدتاً به دلیل دور شدن حزب جمهوری خواه از هنجارهای دموکراتیک است - فوریت بیشتری را به همراه دارد و معکوس کردن روند دوران ترامپ به چیزی رادیکال نیاز دارد: تجزیه احزاب دموکرات و جمهوری خواه.

همانطور که «لی دروتمن» - دانشمند علوم سیاسی در بنیاد آمریکای جدید - در کتاب خود با عنوان «شکستن حلقه عذاب دو طرفه» توضیح می‌دهد، سیستم کنونی چیزی شبیه یک تصادف تاریخی است. این نتیجه ناخواسته روش انتخابات با اکثریت ساده است که در آن آرای نامزدهای حزب سوم عملاً «هدر می‌رود».

دروتمن می‌نویسد: «با توجه به تنها دو انتخاب قابل اجرا، همه رای دهندگان باید خود را با یک دیدگاه هماهنگ کنند، که نگاه دوسوگرایانه آنها را دشوار می‌کند». به عنوان مثال، نظرسنجی‌های مرکز تحقیقات پیو حداقل ۹ گونه‌شناسی سیاسی متمایز را در ایالات متحده مورد بررسی قرار داده‌اند. این در حالیست که نظرسنجی‌های گالوپ نشان می‌دهد که کمتر از ۴ نفر از هر ۱۰ نفر معتقدند که دو حزب بزرگ «وظیفه کافی برای نمایندگی مردم آمریکا را انجام می‌دهند».

«متیو شوگارت» - استاد بازنشسته علوم سیاسی در دانشگاه کالیفرنیا - معتقد است که عملاً سه بخش عمده سیاسی در ایالات متحده در حال کار است. دموکراتها و جمهوری‌خواه‌ها که کشور را تقریباً ۵۰/۵۰ بین‌شان تقسیم





می‌کند. سوی دیگر، سرمایه داری/سوسیالیستی وجود دارد که افراد چپ افراطی مانند سناتور برنی سندرز - که خواستار بازنگری کلی سیستم اقتصادی شده است - در مقابل تقریباً همه افراد چپ یا راست قرار می‌گیرد.

اما برجسته‌ترین آن در دوران پس از ترامپ، انشعاب دموکراتیک/اقتدارگرایانه در جناح راست است. شوگارت نوشته: «در این مورد، بخش طرفدار دموکراسی از چپ‌ترین دموکرات‌های بزرگ تا جایی نزدیک به میانه حزب جمهوری خواه گسترش می‌یابد. در طرف دیگر، جناح ترامپی حزب جمهوری خواه است که خود را کاملاً مایل به کنار گذاشتن دموکراسی و حتی ترویج/تحمل خشونت سیاسی برای پیشبرد برنامه سیاسی‌اش نشان داده است».

در حالی که جناح ضد دموکراتیک در حزب جمهوری خواه بخش کوچکی از کشور است، اما قدرتمندترین گروه درون حزبی است. اکثر جمهوری خواهان کنگره از تایید پیروزی جو بایدن در انتخابات خودداری کردند و ادعاهای ترامپ در مورد تقلب در رأی‌دهی را تکرار کردند. در روزی که حامیان ترامپ به ساختمان کنگره آمریکا یورش بردند - حمله‌ای که منجر به کشته شدن یک افسر پلیس کنگره و چهار نفر دیگر شد - اکثریت جمهوری خواهان مجلس نمایندگان به لغو نتایج انتخابات رای دادند.

این تحلیلگر ادامه می‌دهد: «تهدید اساسی برای دموکراسی آمریکا در حال حاضر این است که حزب جمهوری خواه تحت تأثیر یک جناح افراطی ضد نظام قرار گرفته است. شما تعدادی از اعضای فردی دارید که هنوز به اصول اولیه دموکراتیک متعهد هستند، اما آنها در درون حزب دست برنده را ندارند».

سایر دموکراسی‌ها نیز دارای جناح‌های راست افراطی و ضد دموکراتیک هستند. اما تقریباً همه آن دموکراسی‌ها دارای سیستم‌های سیاسی چند حزبی هستند که در آنها برای یک حزب به تنهایی به دست آوردن اکثریت قانونگذاری بسیار دشوارتر است. در کشورهایی مانند ایرلند، آلمان و نیوزلند، احزاب راست میانه و طرفدار دموکراسی معمولاً انگیزه بیشتری برای مشارکت با چپ میانه نسبت به راست افراطی دارند.

پایان دادن به سیاست دو حزبی فقط یک رویای تباک نیست. اعضای کنگره،

به رهبری «دان بیر» - نماینده دموکرات ویرجینیا- در حال بررسی لایحه‌ای با نام قانون نمایندگی عادلانه هستند که این کار را انجام می‌دهد.



دان بیر

این امر می‌تواند در ایالت‌هایی که بیش از یک نماینده دارند، حوزه‌های مجلس نمایندگان چند عضوی ایجاد کند، و آن مناطق را ملزم می‌کند که توسط کمیسیون‌های مستقل برای به حداقل رساندن تخطئه‌ها عمل کنند و به رای‌دهندگان اجازه می‌دهد تا با استفاده از سیستم رأی‌دهی با انتخاب رتبه‌بندی شده مانند سیستم ایالت مین، نمایندگانی را در آن مناطق انتخاب کنند. قانع‌کننده‌ترین نظریه مبتنی بر الگوهای تاریخی افول دموکراتیک این است که





قطبیت بیش از حد پایه‌های دموکراسی آمریکایی را شکست و شرایطی را ایجاد کرد که تحت آن یک حزب بتواند هنجارهای دموکراتیک را بدون مجازات بشکند، زیرا پیروزی در کوتاه‌مدت مهم‌تر از حفظ دموکراسی برای بلندمدت است. برای اینکه دموکراسی کار کند، احزاب رقیب باید بپذیرند که ممکن است در انتخابات شکست بخورند و این اشکالی ندارد. اما زمانی که حزب‌ها اپوزیسیون سیاسی خود را نه تنها به‌عنوان اپوزیسیون، بلکه به‌عنوان یک تهدید واقعی برای رفاه ملت می‌بینند، حمایت از هنجارهای دموکراتیک محو می‌شود زیرا «پیروزی» به همه چیز تبدیل می‌شود. سیاست، به نوبه خود، به یک جنگ همه‌جانبه «ما علیه آنها» فرو می‌ریزد، نوعی «قطب‌بندی مخرب» که بارها و بارها در فروپاشی‌های دموکراتیک ظاهر می‌شود و شباهت قابل توجهی به آنچه در حال حاضر در ایالات متحده می‌گذرد دارد.

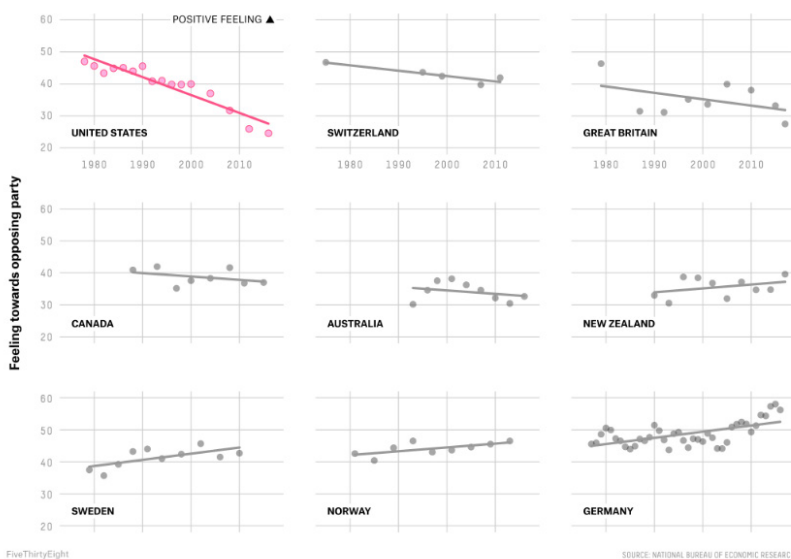
توضیح قابل قبولی برای اینکه چرا سیاست ایالات متحده تا این حد قطبی شده است، وجود دارد، اما بسیاری از این نظریه‌ها روندهای غیرممکنی را توصیف می‌کنند که در سراسر دموکراسی‌های توسعه یافته رخ داده است، مانند ظهور رسانه‌های اجتماعی و افزایش برجستگی سیاسی جهانی شدن، مهاجرت، و شکاف فرهنگی شهری و روستایی. مطمئناً همه این روندها سهم مهمی دارند. اما اگر آنها به تنهایی عامل غیرلیبرالیسم و فراجزبی در ایالات متحده هستند، پس مشکل باید در تمام دموکراسی‌های غربی ثابت باشد. اما اینطور نیست.

آنچه در ایالات متحده اتفاق می‌افتد از چهار جنبه متمایز است.

اولاً، خصومتی که مردم نسبت به احزاب مخالف خود احساس می‌کنند (آنچه در علوم سیاسی به عنوان قطب‌بندی سازی عاطفی شناخته می‌شود) در چهار دهه گذشته به طور قابل توجهی افزایش یافته است. بر اساس مقاله ژوئن ۲۰۲۰ از اقتصاددانان لوی باکسل، متیو گنتزکوو و جسی ام. شاپیرو، افزایش قطبیت عاطفی در ایالات متحده در مقایسه با هشت کشور دیگر «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» OECD در بازه زمانی مشابه، بیشترین میزان را دارد.

دوم، تغییر در احساس آمریکایی‌ها نسبت به حزب خود و سایر احزاب ناشی از کاهش چشمگیر احساسات مثبت نسبت به طرف مقابل بوده است. در اکثر (اگرچه

نه همه) ۹ کشور دموکراسی دار، رای دهندگان نسبت به احزاب خود کمی کمتر مشتاق شده‌اند. اما فقط در ایالات متحده است که گروه‌ها قاطعانه علیه طرف مقابل روی آورده‌اند.



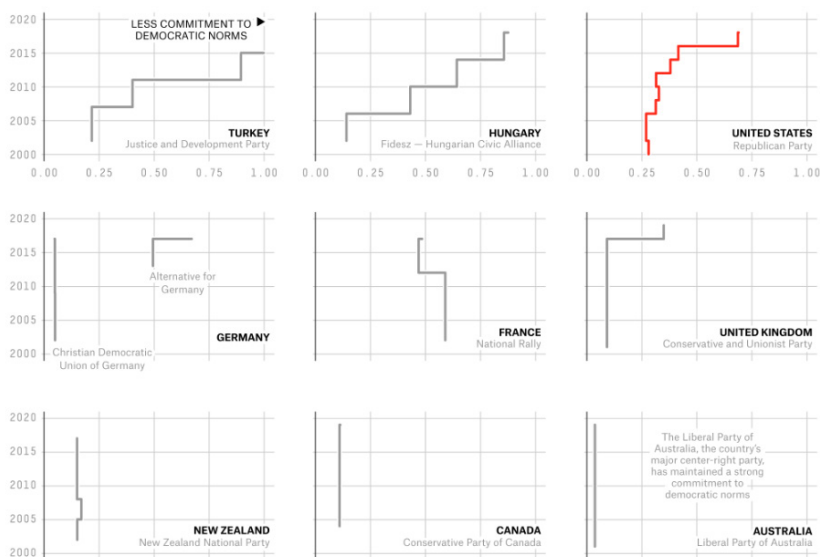
احساس نسبت به حزب مخالف

سوم، بیشتر از سایر کشورها، آمریکایی‌ها احساس می‌کنند که از حزب خود جدا شده‌اند. بر اساس تحلیلی که توسط دانشمندان علوم سیاسی انجام شد، وقتی در نظرسنجی سال ۲۰۱۲ از آمریکایی‌ها خواسته شد هم خود و هم حزب مورد علاقه‌شان را شناسایی کنند، معلوم شد که به‌طور میانگین ۱,۳ واحد از حزبی که به حمایت از عقاید آنها نزدیک است فاصله دارند. جاناتان رودن معتقد است این شکاف بالاترین تفاوتی است که می‌توان در میان پاسخ دهندگان در دموکراسی‌های مشابه یافت. این انزوا نیز اهمیت دارد، زیرا به این معنی است که احزاب نمی‌توانند روی اشتیاق رای دهندگان خود حساب کنند - در عوض، آنها باید مخالفان سیاسی را شیطانی جلوه



دهند تا رای دهندگان را بسیج کنند.

چهارمین، و شاید مهم‌ترین، در ایالات متحده، یک حزب به یک حزب مهم غیرلیبرال تبدیل شده است: حزب جمهوری خواه. محققان مؤسسه V-Dem در دانشگاه گوتنبرگ در سوئد احزاب سیاسی را در سراسر جهان زیر نظر برده و ارزیابی کرده‌اند. یکی از زمینه‌های بزرگ مطالعه برای آنها، موضوع لیبرالیسم و یا تعهد یک حزب (یا فقدان آن) به هنجارهای دموکراتیک قبل از انتخابات است. و همانطور که نمودار زیر نشان می‌دهد، از احزاب محافظه‌کار و راست‌گرا در سراسر جهان، حزب جمهوری خواه بیشتر از احزاب محافظه‌کار در بریتانیا یا آلمان با احزاب استبدادی در مجارستان و ترکیه نقطه اشتراک دارد.



ایالات متحده واقعاً از نظر قطبی شدن دارای سیاستی استثنایی است، اما در این موضوع تنها نیست. مردم در کشورهای دارای دموکراسی یا دو حزب بسیار مسلط که بر سیاست آن تسلط دارند -مانند ایالات



متحده، کانادا، بریتانیا، و استرالیا - احساسات نامطلوب‌تری نسبت به اپوزیسیون سیاسی نشان داده‌اند.

این الگو ممکن است ارتباطی با تغییر سیاست تشکیل ائتلاف در دموکراسی‌های متناسب داشته باشد، جایی که تعداد کمی از دشمنان سیاسی همیشه دائمی هستند. این امر همچنین بازتاب چیزی است که روانشناسان اجتماعی در آزمایشات مربوط به رفتار گروهی دریافته‌اند: تقسیم افراد به سه گروه به جای دو گروه منجر به خصومت کمتری می‌شود. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد چیزی در مورد شرایط دوتایی، یا در این مورد، سیستم دو طرفه منحصر به فرد وجود دارد که باعث ایجاد نوعی خوب در برابر شر، تاریکی در مقابل نور، و ما علیه آنها می‌شود که تصور می‌شود به ویژه در ایالات متحده برجسته باشد. در نهایت، هر چه سیستم حزبی دوتایی باشد، نفرت برون حزبی قوی‌تر است. اما در مورد آنچه در ایالات متحده اتفاق می‌افتد، حتی در مقایسه با سایر دموکراسی‌های اکثریتی چیز خاصی نیز وجود دارد. برای مثال، احزاب اصلی راست در کانادا و استرالیا به اندازه هم‌تای آمریکایی خود غیرلیبرال نشده‌اند. محققان سیاسی کانادا خاطرنشان می‌کنند که در کانادا، هویت‌های منطقه‌ای اغلب قوی‌تر از هویت‌های حزبی ملی است و این منطقه‌گرایی سیاست کانادا را معتدل‌تر نگه داشته است. محققان استرالیایی نیز اشاره می‌کنند که رای‌گیری با انتخاب رتبه‌بندی، نیروی تعدیل‌کننده‌ای بر سیاست استرالیا اعمال کرده است.

در همین حال، در ایالات متحده سیاست به شدت ملی شده است. شهرها از نظر اجتماعی آزادتر، چند نژادی و جهان‌وطنی شدند؛ بیشتر بقیه نقاط کشور به ارزش‌های سنتی‌تری پایبند بودند و عمدتاً سفیدپوست باقی ماندند، و حومه‌ها به میدان نبرد سیاسی تبدیل شدند. همانطور که رودن در کتاب «چرا شهرها سقوط می‌کنند» توضیح می‌دهد، احزاب دارای پایگاه‌های روستایی اغلب با قدرت انتخاباتی نامتناسبی روبرو می‌شوند،





زیرا مخالفان آن‌ها تمایل دارند بیش از حد رای خود را در نواحی ناهموار متمرکز کنند. به عنوان مثال، این تعصب روستایی به ویژه در سنای ایالات متحده برجسته است. با این حال، تنها فقدان شکاف شدید شهری و روستایی نیست که دموکراسی‌های متناسب را کمتر قطبی می‌کند. همچنین در انتخاباتی که بیش از دو حزب دارد، اهریمن ساختن اپوزیسیون سود راهبردی روشنی ندارد. به عنوان مثال، در یک انتخابات چند حزبی، حذف یک حزب ممکن است لزوماً به حزب دیگر کمکی نکند. از این گذشته، ممکن است طرف دیگری از آن سود ببرد، زیرا حملات منفی معمولاً با واکنش مواجه می‌شوند. و از آنجایی که احزاب می‌توانند مواضع قوی‌تری اتخاذ کنند و مستقیماً به رای دهندگان در مورد سیاست متوسل شوند، نیاز کمتری به گرد هم‌آوری حامیان خود با صحبت در مورد وحشتناک و خطرناک بودن طرف مقابل وجود دارد. علاوه بر این، در سیستم‌هایی که احزاب ائتلاف‌های حکومتی تشکیل می‌دهند، شرور جلوه دادن طرفی که اخیراً در ائتلاف با یک حزب بوده است، چندان درست نیست.

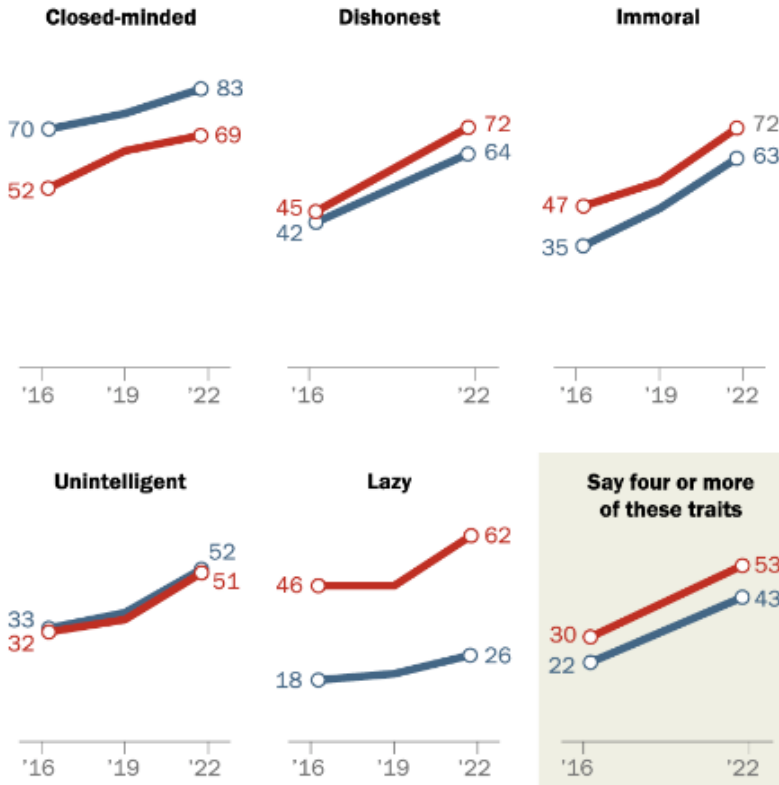
نظر سنجی موسسه پیو: جامعه گسیخته از سیستم دو حزبی

قطبی شدن حزبی از دیرباز یک واقعیت زندگی سیاسی در ایالات متحده بوده است. اما به طور فزاینده‌ای، جمهوری خواهان و دموکرات‌ها نه تنها به حزب مخالف، بلکه به افراد آن حزب نیز با دیدی منفی نگاه می‌کنند. شاید بارزترین تغییر، میزانی باشد که طرفداران حزب مخالف را غیراخلاقی می‌دانند. در سال ۲۰۱۶، حدود نیمی از جمهوری خواهان (۴۷٪) و کمی بیش از یک سوم دموکرات‌ها (۳۵٪) گفتند که اعضای حزب دیگر بسیار یا تا حدودی غیر اخلاقی‌تر از سایر آمریکایی‌ها هستند. امروزه ۷۲ درصد از جمهوری خواهان دموکرات‌ها را غیراخلاقی‌تر می‌دانند و ۶۳ درصد از دموکرات‌ها همین را در مورد جمهوری خواهان می‌گویند.

Growing shares of both Republicans and Democrats say members of the other party are more immoral, dishonest, closed-minded than other Americans

% who say members of the **other** party are a lot/somewhat more _____ compared to other Americans

- Republicans say Democrats are more ...
- Democrats say Republicans are more ...



Note: Partisans do not include those who lean to each party.
Source: Survey of U.S. adults conducted June 27-July 4, 2022.

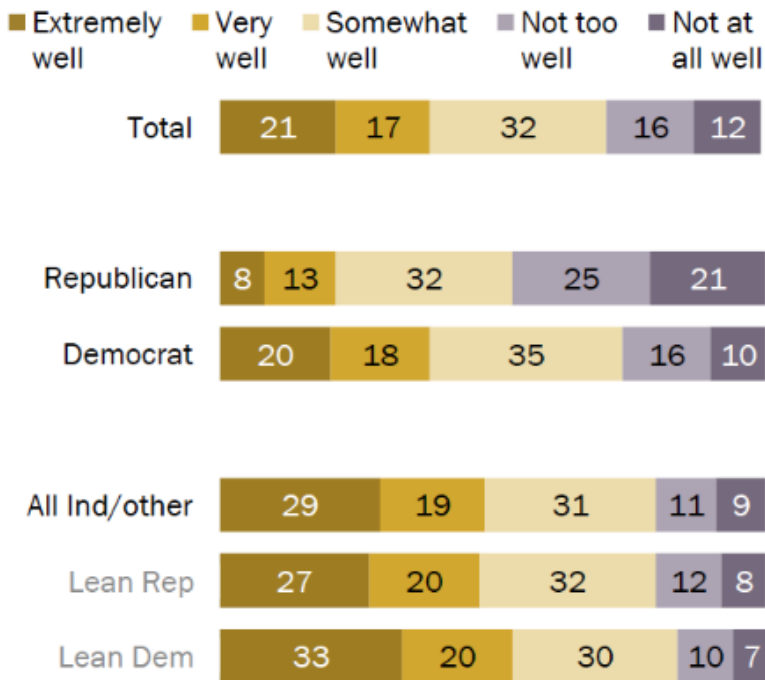
PEW RESEARCH CENTER

سهم رو به افزایش جمهوریخواهان و دموکراتهایی که معتقدند اعضای احزاب دیگر غیراخلاقی تر، بی صداقت تر، ذهن بسته تر، بی استعدادتر و تنبل تر از دیگر آمریکایی ها هستند



Support for more political parties is highest among independents, higher among Democrats than Republicans

% who say "I often wish there were more political parties to choose from in this country" describes their views ...



Notes: Partisans do not include leaners. Leaners are those who do not identify as Republican or Democratic (identifying as independent or other party) and lean toward either the Republican or Democratic Party. No answer responses not shown.

Source: Survey of U.S. adults conducted June 27-July 4, 2022.

PEW RESEARCH CENTER

«حمایت از احزاب سیاسی بیشتر، در میان مستقل‌ها از همه بیشتر است
و در میان حامیان دموکرات‌ها بیشتر از حامیان جمهوریخواهان»



ایا حزب سوم جدید در آمریکا می‌تواند موفق باشد؟

این الگو با دیگر کلیشه‌های حزبی منفی مشابه است: ۷۲ درصد از جمهوری خواهان و ۶۴ درصد از دموکرات‌ها می‌گویند که افراد در حزب مخالف نسبت به سایر آمریکایی‌ها ناصادق‌تر هستند. کمتر از نیمی از هر حزب این را شش سال پیش گفته‌اند. اکثریت بزرگ در هر دو حزب همچنان کسانی را که در حزب دیگر هستند نسبت به سایر آمریکایی‌ها بسته‌تر توصیف می‌کنند (۸۳ درصد دموکرات‌ها و ۶۹ درصد جمهوری خواهان این را می‌گویند)، و این احساسات نیز در سال‌های اخیر افزایش یافته است. با این وجود یک ویژگی منفی وجود دارد که جمهوری خواهان به مراتب بیشتر از دموکرات‌ها برای پیوند با مخالفان سیاسی خود مصر هستند. اکثریت ۶۲٪ از جمهوری خواهان می‌گویند دموکرات‌ها «تنبل‌تر» از سایر آمریکایی‌ها هستند، که این از ۴۶ درصد مطالعات سال ۲۰۱۹ بالاتر است. فقط ۲۶ درصد از دموکرات‌ها همین نظر را در مورد جمهوری خواهان دارند که از آمار سال ۲۰۱۶ چندان تغییر نکرده است.

نظرسنجی جدید درباره احزاب و حزب‌گرایی توسط مرکز تحقیقاتی پیو، که بین ۶۱۷۴ آمریکایی بین ۲۷ ژوئن تا ۴ جولای ۲۰۲۲ انجام شده، نشان می‌دهد که این احساسات منفی - این باور که سیاست‌های طرف مقابل برای کشور مضر است - تبدیل به عامل اصلی در انتخاب اینکه چرا جمهوری خواهان و دموکرات‌ها به حزب خود وابستگی دارند، شده است.

این باور که سیاست‌های حزب مخالف برای کشور مضر است، به‌ویژه عامل برجسته‌ای در گرایش مستقل‌ها به احزاب جمهوری خواه و دموکرات است. این تنها موردی است که در میان پنج موردی که در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند، توسط اکثریت مستقل‌های متمایل به جمهوری خواه (۵۷ درصد) و مستقل‌های با گرایش دموکرات (۵۵ درصد) به عنوان دلیل اصلی گرایش آنها به احزابشان ذکر شده است. این نظرسنجی نشان می‌دهد که در حالی که حزب‌گرایی منفی همچنان





گسترده است - و در بسیاری موارد در حال افزایش است - نشانه‌هایی از ناامیدی از سیستم دو حزبی و خود احزاب نیز وجود دارد. این ناامیدی در میان متمایلان حزبی - که تمایل دارند نسبت به حزبی‌ها جوان‌تر و از نظر سیاسی کمتر درگیر باشند - بیشتر از کسانی که خود را جمهوریخواه یا دموکرات می‌دانند، آشکار است.

در میان عموم مردم، ۳۹ درصد می‌گویند که دیدگاه‌هایشان به‌خوبی یا بسیار خوب توصیف می‌شود: «اغلب آرزو می‌کنم در این کشور احزاب سیاسی بیشتری وجود داشته باشند». ۳۲ درصد دیگر می‌گویند که این بیانیه دیدگاه‌های آنها را تا حدودی خوب توصیف می‌کند، در حالی که ۲۸ درصد می‌گویند که نظرات آنها را نه خیلی خوب یا اصلاً خوب توصیف نمی‌کند.

قابل توجه است که دموکرات‌ها بیشتر از جمهوری‌خواهان تمایل به احزاب سیاسی بیشتری را ابراز می‌کنند: ۳۸ درصد از کسانی که با حزب دموکرات شناسایی می‌شوند می‌گویند که تعدد احزاب دیدگاه‌های آنها را بسیار خوب توصیف می‌کند، در مقایسه با ۲۱ درصد از جمهوری‌خواهان. با این حال، این احساسات در میان مستقل‌ها و دیگرانی که با یک حزب همذات‌پنداری نمی‌کنند، برجسته‌تر است: ۴۸ درصد می‌گویند که دیدگاه‌های آنها را بسیار یا خیلی خوب توصیف می‌کند، از جمله ۴۸ درصد از آن‌هایی که متمایل به جمهوری‌خواه و ۵۳ درصد از آن‌هایی که متمایل به دموکرات هستند.

به طور کلی، علاقه به داشتن احزاب سیاسی بیشتر در میان جوانان آمریکایی بیشتر از افراد مسن است. تقریباً نیمی از سنین ۱۸ تا ۴۹ سال می‌گویند که اغلب آرزو می‌کنند که احزاب بیشتری برای انتخاب وجود داشته باشند (۴۷ درصد می‌گویند که دیدگاه‌های آنها را بسیار یا خیلی خوب توصیف می‌کند). این در مقایسه با ۳۵ درصد از افراد ۵۰ تا ۶۴ ساله و تنها ۲۳ درصد از افراد ۶۵ سال و بالاتر است.



Share of Americans holding unfavorable views of both parties among the highest in decades

% who have an unfavorable view of the Republican and Democratic parties



Note: Based on those who rated both the Republican and Democratic parties.

Source: Yearly averages of survey data from Pew Research Center American Trends Panel (2020-2022) and Pew Research Center phone surveys of U.S. adults (1994-2019).

PEW RESEARCH CENTER

سهم آمریکایی‌هایی که دیدگاه منفی خود نسبت به دو حزب اصلی در طی دهه‌ها حفظ کرده‌اند

هیچ یک از این دو حزب در میان مردم محبوب زیادی ندارند: تقریباً از هر ده آمریکایی، چهار نفر (۴۱٪) دیدگاه بسیار یا تا حدودی مطلوبی نسبت به حزب دموکرات دارند، در حالی که حتی تعداد کمتری از آنها



(۳۷٪) برداشت مطلوبی از حزب جمهوری‌خواه دارند. در طول چند دهه گذشته، سهم آمریکایی‌هایی که نظرات نامطلوب هر دو حزب اصلی را ابراز می‌کنند، افزایش یافته است: در سال ۱۹۹۴، تنها ۶ درصد از مردم دیدگاه نامطلوبی نسبت به احزاب جمهوری‌خواه و دموکرات داشتند. امروزه حدود یک چهارم (۲۷٪) دیدگاه منفی نسبت به هر دو طرف دارند. این دیدگاه به ویژه در میان متمایلان حزبی برجسته است: ۴۴ درصد از مستقل‌های متمایل به جمهوری‌خواه - و سهم یکسانی از طرفداران دموکرات - در حال حاضر دیدگاه‌های منفی نسبت به هر دو حزب دارند.

حزب دموکرات نسبت به جمهوری‌خواهان در چندین صفت و ویژگی برتری دارد، به‌ویژه وقتی صحبت از مدارا با انواع مختلف مردم و بهانه‌تراشی نکردن برای دیدگاه‌های نفرت‌آمیز در میان اعضای حزب خود باشد. حدود شش نفر از هر ده بزرگسال ۵۷ درصد می‌گویند که عبارت «محترم و مداراکننده با انواع مختلف مردم» حزب دموکرات را بسیار یا تا حدودی خوب توصیف می‌کند، در مقایسه، ۳۸ درصد می‌گویند این عبارت حزب جمهوری‌خواه را توصیف می‌کند.

در عین حال، تفاوت‌های کمتری در دیدگاه‌های احزاب در مورد احترام به نهادهای دموکراتیک کشور وجود دارد. حدود نیمی از بزرگسالان (۵۱ درصد) که می‌گویند «به نهادها و سنت‌های دموکراتیک کشور احترام می‌گذارند»، حزب دموکرات را خیلی یا تا حدودی خوب توصیف می‌کنند، در حالی که ۴۵ درصد می‌گویند که این قضیه در مورد جمهوری‌خواهان صدق می‌کند. هیچ‌یک از احزاب برای صداقت رتبه بالایی کسب نمی‌کنند: ۴۳ درصد می‌گویند که عبارت «حکومت به شیوه‌ای صادقانه و اخلاقی» توصیف‌کننده حزب دموکرات است، در حالی که ۳۷ درصد، حزب جمهوری‌خواه را اینگونه توصیف می‌کنند.

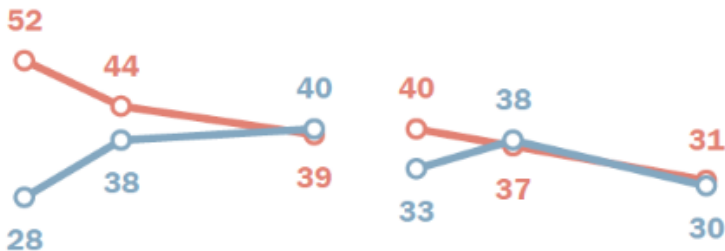
Rise in share of Democratic leaners who cite frustration with party leadership as reason they don't identify with the party

% who say ____ is a **major reason** why they lean to, but do not identify with, the party that they lean toward

Frustrated with party's leaders

Disagree with party on some important issues

Lean Rep



Lean Dem

2016 2022 2016 2022

Note: Leaners are those who do not identify as Republican or Democratic (identifying as independent or other party) and lean toward either the Republican or Democratic Party.

Source: Survey of U.S. adults conducted June 27-July 4, 2022.

PEW RESEARCH CENTER

افزایش سهم و تعداد مستقل‌های متمایل به دموکرات‌ها که ناامیدی و سرخوردگی از رهبری حزب را علت عدم همراهی‌شان با حزب دانسته‌اند

کسانی که به حزب دموکرات متمایل هستند، انتقادات بیشتری نسبت به رهبران





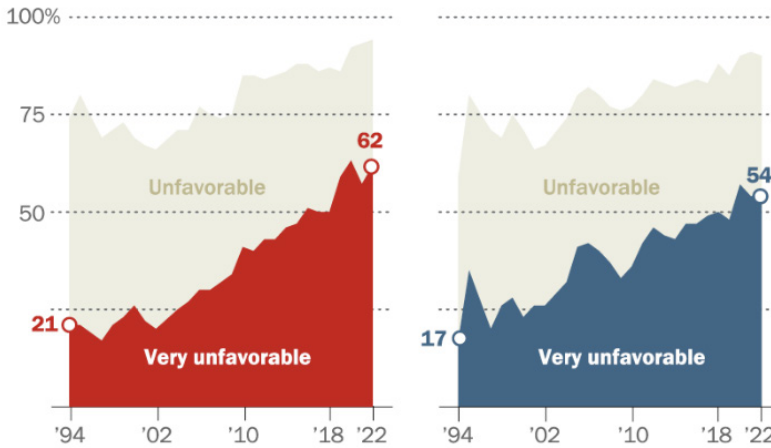
دموکرات پیدا کرده‌اند. وقتی از آنها پرسیده می‌شود که چرا به یک حزب تمایل دارند - به جای اینکه با آن همذات‌پنداری کنند - می‌گویند که نمی‌خواهند به دیدگاه‌های خود برچسب سیاسی بزنند، در حالی که تقریباً به همان اندازه پیشنهاد می‌کنند که از رهبری حزبی که به آن تمایل دارند ناامید شده‌اند. سهم طرفداران دموکرات که ناامیدی از رهبران حزب را دلیل اصلی عدم ارتباط نزدیکتر با حزب می‌دانند، از ۲۸ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۴۰ درصد در حال حاضر افزایش یافته است. در همین مدت، سهم متمایلان جمهوری خواه که از رهبری حزب جمهوری خواه ابراز ناامیدی می‌کنند، از ۵۲ درصد به ۳۹ درصد کاهش یافته است.

حامیان جمهوری خواهان بر سر رهبرانی که ادعاهای انتخاباتی اثبات نشده ترامپ را تایید می‌کنند، اختلاف نظر دارند. حدود نیمی از جمهوری خواهان (۵۱ درصد) می‌گویند که از رهبران سیاسی خوششان می‌آید که علناً ادعا می‌کنند که دونالد ترامپ برنده قانونی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ بوده است. ۱۷ درصد می‌گویند که چنین رهبرانی را دوست ندارند، در حالی که ۳۱ درصد هیچ نظری در مورد آنها ندارند. کسانی که به شدت با جمهوری خواهان هویت می‌یابند - جمهوری خواهان قوی که ۷۰ درصد از کل جمهوری خواهان را تشکیل می‌دهند - به احتمال زیاد نسبت به کسانی که با شدت کمتر با حزب یا طرفداران جمهوری خواه همذات‌پنداری می‌کنند، دیدگاه‌های مثبتی درباره چنین رهبرانی ابراز می‌کنند. از هر ده جمهوری خواه قوی، شش نفر (۵۹ درصد) نظرات مثبتی درباره رهبرانی دارند که می‌گویند ترامپ در سال ۲۰۲۰ پیروز شد، در مقایسه با ۳۱ درصد جمهوری خواهان ضعیف‌تر و ۲۴ درصد مستقل‌های متمایل به جمهوری خواه. جمهوری خواهان و دموکرات‌ها دیدگاه‌های مثبت فزاینده‌ای نسبت به خود ابراز می‌کنند. در حالی که جمهوری خواهان و دموکرات‌ها دیدگاه‌های منفی فزاینده‌ای نسبت به اعضای حزب دیگر ابراز می‌کنند، آنها نسبت به افراد حزب خود مثبت‌تر شده‌اند. به عنوان مثال، اکثریت جمهوری خواهان (۶۳٪) اکنون می‌گویند که اعضای حزب آنها بسیار یا تا حدودی اخلاقی‌تر از سایر آمریکایی‌ها هستند. حدود نیمی از جمهوری خواهان (۵۱ درصد) در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۹ این نظر را داشتند. سهم دموکرات‌هایی که می‌گویند دموکرات‌ها اخلاقی‌تر از سایر آمریکایی‌ها هستند، از ۳۸ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۵۱ درصد در حال حاضر افزایش یافته است.

Two decades of rising partisan antipathy

% of **Republicans** with a(n) ____ view of the **Democratic Party**

% of **Democrats** with a(n) ____ view of the **Republican Party**



Note: Based on partisans and does not include those who lean to each party.

Source: Yearly averages of survey data from Pew Research Center American Trends Panel (2020-2022) and Pew Research Center phone surveys (1994-2019).

PEW RESEARCH CENTER

میزان دو دهه انزجار در حال افزایش حزبی

دیدگاه های عمیقا منفی نسبت به طرف مقابل بسیار گسترده تر از گذشته است. در نظرسنجی های مرکز تحقیقات پیو که در سال جاری انجام شد، حدود شش نفر از هر ده جمهوری خواه (۶۲٪) و بیش از نیمی از دموکرات ها (۵۴٪) دیدگاه بسیار نامطلوبی نسبت به حزب مقابل دارند. در حالی که این دیدگاه های بسیار منفی طرف مقابل در چند سال اخیر تغییر چندانی نکرده است، سهم بیان کننده این سطح از ضدیت بیشتر از پنج سال پیش و به میزان قابل توجهی بیشتر از چند دهه پیش است. در سال ۱۹۹۴، کمتر از یک چهارم در هر دو حزب، طرف مقابل را بسیار نامطلوب ارزیابی کردند.

آیا حزب «پیشرو» (به پیش) می تواند حزب سومی باشد که پیروز می شود؟

همانطور که در بخش های ابتدایی این نوشتار اشاره شد، احزاب سوم متعددی در طول تاریخ آمریکا تلاش کرده اند تا از میان دو حزب اصلی سر برآورند و آخرین باری که نامزد



حزب سومی به بالاترین مقام کشور منصوب شد به سال ۱۸۶۰ برمی گردد، که حزب تازه تاسیس جمهوری خواه (که درست ۶ سال از تاسیس آن می گذشت) آبراهام لینکلن را به ریاست جمهوری رساند و عملاً جانشین «ویگز» -حزب مسلط آن زمان- شد. حالا بحث حزب «پیشرو» (Forward) یا همان فورواردر توسط «اندرو یانگ» میلیاردی و کارآفرین مطرح آمریکایی مطرح شده است. پس از انتخابات ۲۰۲۰، آمریکایی ها به صراحت گفتند که خواهان یک حزب سیاسی سوم بادوام هستند. در سال ۲۰۲۱، با ادامه نتایج انتخابات ۲۰۲۰، نظرسنجی ها حمایت گسترده ای را در میان آمریکایی ها از حزب سوم تازه ای نشان داد که چیزی متفاوت از وضعیت موجود ارائه می دهد. حتی اکثریت جمهوری خواهانی که خود را معرفی می کردند گفتند که خواهان یک حزب جدید در ترکیب هستند.



آیا حزب سوم جدید در آمریکا می تواند موفق باشد؟

این تبدیل به زمینه اصلی برای حزب فوروارد شد که در ماه جولای توسط گروهی از میان‌روها از جمله اندرو یانگ -نامزد سابق دموکرات ریاست جمهوری- و «کریستین تاد ویتمن» -فرماندار سابق جمهوری خواه نیوجرسی- تاسیس شد.

تشکیل این حزب سوم جدید به این امید که تا انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ رقیب ملی نظام دو حزبی تبدیل شود، صورت گرفته است. جنبش نوسازی آمریکا، ده‌ها دانش‌آموخته جمهوری خواه دولت‌های ریگان، بوش پدر، بوش و ترامپ همه عضو این حزب هستند؛ حزب پیشرو که یانگ آن را سال گذشته با انتشار کتابی با نام این حزب تاسیس کرد، جنبش خدمت به آمریکا، گروه میان‌رو و متشکل از دموکرات‌ها، جمهوری خواهان و افراد مستقل که کارمندان سابق جرج دبلیو بوش آن را تاسیس کردند را شامل می‌شود و مدیر اجرایی اش دیوید جولی، نماینده سابق جمهوری خواه کنگره است.

بحشی که اکنون جریان دارد این است که یانگ توانسته در بهترین حالت ۵ میلیون دلار برای کمپین خود جمع‌آوری کند و این در حالی است که جو بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ توانست نزدیک به یک میلیون دلار و ترامپ نزدیک به ۷۷۴ میلیون دلار کمک جمع‌آوری کنند.

دو حزب مسلط همچنین دارای مزایای ساختاری بزرگی هستند: لیست‌های پستی، آدرس‌های ایمیل، حامیان موجود و تشخیص نام، چیزهایی که ساختن آنها دهه‌ها طول کشیده است. یک مسئله اساسی‌تر این است که سیستم انتخاباتی ایالات متحده برای پذیرش یک حزب ثالث تنظیم نشده است.

حزب فوروارد که در ۲۳ جولای راه‌اندازی شد، از سه گروه سیاسی موجود تشکیل شد: «جنبش نوسازی آمریکا»، متشکل از ده‌ها تن از مقامات سابق دولت جمهوری خواه؛ حزب فوروارد که توسط یانگ پس از تلاش ناموفق او برای نامزدی حزب دموکرات برای شهرداری شهر نیویورک تاسیس شد؛ و «جنبش خدمت به آمریکا» به‌عنوان یک گروه میان‌رو و متشکل از دموکرات‌ها، جمهوری خواهان و مستقل‌ها.

فوروارد مدعی است که به‌دنبال راه‌حل‌هاست و طرف انجام دادن است





نه تقسیم کردن. از نظر این حزب این به معنای رد چپ و راست افراطی و پیگیری زمینه‌های مشترک است. حزب مذکور خود را رو به جلو معرفی کرده و اعلام کرده که مواضع خود را در مورد موضوعات تفرقه‌انگیز مثل سقط جنین، تامین اجتماعی و کاهش مالیات اعلام خواهد کرد و آنگاه تکلیف میانه‌روهای واقعی مشخص خواهد شد.

حزب فوروارد در بیانیه‌ای اعلام کرده: «ما را نمی‌توان به طیف سنتی چپ-راست متصل کرد، زیرا ما مانند احزاب موجود ساخته نشده‌ایم. چیزی که ما را در کنار هم نگه می‌دارد ایدئولوژی ساده نیست، بلکه تعهدی مشترک برای حل واقعی مشکلات است. تشنگی ما برای آن نوع ساده اما انقلابی از سیاست، بسیار است».

از نظر نحوه رقابت با دموکرات‌ها و جمهوری خواهان، این حزب مدعی است که به دنبال واریزهای میلیارد دلاری در رقابت‌های ریاست جمهوری ۲۰۲۴ نیست. در عوض، بر دسترسی به رای گیری و جذب نامزدها برای رقابت در سراسر کشور تمرکز خواهد کرد. فوروارد در این رابطه گفته است: «درست است که این امر پول می‌خواهد. اما بیشتر از پول، مردم را می‌طلبد و ما با آنها ثروتمند هستیم».

«برنارد تاماس» - دانشیار علوم سیاسی در دانشگاه ایالتی والدوستا و نویسنده کتاب «مرگ و تولد دوباره احزاب ثالث آمریکایی: آماده احیای سیاسی؟» - معتقد است که احزاب سوم می‌توانند تأثیرگذار باشند. او به حزب مترقی در دوران «تئودور روزولت» اشاره می‌کند که چگونه توانست حتی پس از شکست در مقابل «وودرو ویلسون»، همچنان تأثیرات خود بر قانون کار را بگذارد. فوروارد که متعهد شده است که منعکس کننده «اکثریت معتدل و عقل سلیم» خواهد بود، هنوز از نظر بسیاری از مردم مورد تردید است - چه رسد به اینکه کار بیشتری انجام دهد و در واقع نامزدهایش را انتخاب کند. در هر صورت، باید منتظر ماند و دید که این حزب تا چه حد می‌تواند در انتخابات ۲۰۲۴ خودی نشان دهد.

نشریه «هیل» در یادداشتی به قلم «مکس استیرنز» در رابطه با تشکیل حزب

فوروارد نوشت: با هیاهوی قابل توجه، اندرو یانگ، نامزد سابق دموکرات ریاست جمهوری، به جمهوری خواهان میانه‌رو از جمله کریستین تاد ویتمن -فرماندار سابق نیوجرسی- پیوست تا تاسیس یک حزب سیاسی میانه‌رو جدید به نام «به‌پیش» را اعلام کند. این هدف قابل ستایش است - اجتناب از انتخاب‌های فزاینده دو طرف، که هر کدام به خواسته‌های پایگاه سخت خود پاسخ می‌دهند. اما در غیاب تغییرات ساختاری جدی، مأموریت فوروارد نمی‌تواند موفق شود. مفسران به خطر شکست حزب دموکرات به نفع حزب جمهوری خواه ترامپ در انتخابات میان دوره‌ای آتی یا بدتر از آن، انتخابات عمومی ۲۰۲۴ اشاره می‌کنند. در نظام سیاسی ما، احزاب ثالث از لحاظ تاریخی نقش مخدوش‌کننده‌ای داشته‌اند؛ همانطور که رالف نادر در سال ۲۰۰۰ با ال گور انجام داد و نتیجه را به دو نامزد اصلی واگذار کرد.

استیونز در ادامه می‌افزاید: این به توضیح این موضوع کمک می‌کند که چرا یانگ برنامه فوروارد را برای حمایت از نامزدهای اولیه دموکرات یا جمهوریخواه که از پلتفرم حزب جدیدش حمایت می‌کنند، به جای نامزدی ریاست جمهوری خود اعلام کرد. اما دلیلی وجود ندارد که باور کنیم تایید فوروارد به میانه‌روهایی که در گذشته شکست خورده‌اند اجازه می‌دهد ناگهان موفق شوند. فوروارد رای گیری انتخابات مقدماتی باز را نیز تایید می‌کند. برای موفقیت، ما یا به نامزدهایی نیاز داریم که چندین حزب را نمایندگی کنند، که فوروارد این کار را انکار می‌کند، یا راه دیگر این است که باید با حمایت‌های قانون اساسی احزاب در فرآیندهای انتخاب نامزدهای خود مداخله کنیم.

وی تصریح کرده: یانگ خاطر نشان می‌کند که دو سوم آمریکایی‌ها از سیستم دو حزبی ما ناامید هستند. من دقیقاً موافقم و به همین دلیل است که دارم کتابی می‌نویسم که چگونه می‌توان تغییرات جدی ایجاد کرد که به اشخاص ثالث واقعی اجازه می‌دهد شکوفا شوند. مشکل این است که ناامیدی خودش به تنهایی نمی‌تواند عاملی باشد که سیستم تولیدکننده اش اصلاح شود.

اما در سوی دیگر قضیه، امیدواری‌ها به این حزب سوم زیاد است. یانگ در یکی از آخرین توئیتهای خود نوشت: «پس از سال‌ها کار موازی برای



اصلاح دموکراسی مان، با خوشحالی اعلام می کنیم که رسماً با حزب پیشرو و سم فورآس با عنوان حزب پیشرو ادغام می شویم! با هم کشور را رو به جلو خواهیم برد!



 **Renew America Movement** 
دنیال کردن · @RenewAmerica

After years of working in parallel to reform our democracy, we are thrilled to announce that we are officially merging with @Fwd_Party & @samforus under the #ForwardParty name! Together, we will move our the nation #FWD.
fwdtogether.org

#ForwardTogether #GSD



The graphic features the text 'FWD TOGETHER' in large, bold, red letters. Below it are three circular logos: the RAM logo (a ram head), the Forward Party logo (a stylized eagle), and the SAM logo (the letters 'SAM' above three horizontal lines).



ایا حزب سوم جدید در آمریکا می تواند موفق باشد؟

وی در توئیت دیگری نوشت: «حزب پیشرو در حال پیوستن به سم فورآس و حزب بازسازی آمریکا است تا بزرگترین حزب سوم را براساس منابع موجود در ایالات متحده آمریکا تشکیل بدهد!! این درست است - اکنون حزب پیشرو سومین نهاد بزرگ کشور است - و ما تازه آغاز راهیم!».

Andrew Yang **دنبال کردن** · @AndrewYang

The [#ForwardParty](#) is joining forces with [@samforus](#) and [@RenewAmerica](#) to form the biggest 3rd party by resources in the United States!! That's right - the [@Fwd_Party](#) is now the biggest 3rd party org in the country - and we are just getting started!

andrewyang.com
HUGE News re: the Forward Party! | Blog | ...
About 10 months ago, I left the Democratic Party. I did so because I knew the country ...

FWD

۴:۰۱ قبل از ظهر ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۲

خواندن گفت‌وگوی کامل در توییتر

۲,۷ هزار پاسخ هم‌رسانی

این گروه هنوز جزئیات خاص سیاست‌هایش را درمورد موضوعات مختلف ارائه نکرده، اما نشان داده است که چشم‌انداز میانه‌رو آن را دو ستون «رونق دوباره اقتصاد عادلانه و شکوفا» و «ارائه انتخاب‌های بیشتر به آمریکایی‌ها در انتخابات، اعتماد بیشتر به دولت حاکم، و گفتمان بیشتر در آینده‌مان» تشکیل می‌دهد. حزب جدید پیشرو همچنان خوشبین است که تا پایان سال ۲۰۲۳ بتواند ثبت‌نام حزب و دسترسی به آرا در ۳۰ ایالت را تضمین کند، و تا اواخر سال ۲۰۲۴ در تمام ۵۰ ایالت فعال باشد. یانگ، که رئیس مشترک حزب است، در مصاحبه‌ای به





رویتز گفته: «مسائل مالی که معمولاً مانعی برای ورود احزاب کوچک‌تر سوم به صحنه اصلی سیاست است، نیز مشکلی ایجاد نخواهد کرد. ما با موقعیت مالی بسیار قوی شروع می‌کنیم. مشکل حمایت مالی نداریم». او همچنین تأیید کرده که حزب با بودجه‌ای در حدود ۵ میلیون دلار شروع به کار خواهد کرد و حامیانی در کنار صدها هزار نفر عضو مردمی از سه گروه ادغام‌شده دارد.

برآیند

سابقه تاریخی انتخابات آمریکا نشان داده که از پس از جایگزینی حزب جمهوری خواه به جای ویگز، عملاً احزاب سوم نتوانسته‌اند دو حزب اصلی را شکست بدهند و توفیق چندانی در عرصه سیاست آمریکا داشته باشند. اما در مورد حزب پیشرو شاید بتوان با نگاه خوشبینانه‌تری پیش رفت. این حزب ترکیبی از دموکرات‌ها و جمهوریخواهان میانه‌رو در خود دارد که از تصمیم‌سازترین افراد دولت‌های قبلی بوده‌اند. همچنین به نظر می‌رسد که این حزب بودجه قابل توجه‌تری را نسبت به احزاب سوم پیشین به سمت خود جلب خواهد کرد. تنها باید منتظر بود و دید که صورت وقایع تا انتخابات ۲۰۲۴ که هدف اصلی این حزب است، چگونه برای آن پیش خواهد رفت.

منابع مورد استفاده:

۱. نظام دو حزبی و علل عدم موفقیت حزب سوم در آمریکا؛ ارجمند، مرضیه جواد؛ موسوی، سید محمد علی. ۱۳۹۲.

- <https://www.theguardian.com>
- <https://fivethirtyeight.com>
- <https://www.washingtonpost.com>
- <https://www.pewresearch.org>
- <https://thehill.com>
- <https://www.route-fifty.com>
- <https://www.newsnationnow.com>
- <https://www.vox.com>

